

Strategies for strengthening critical thinking in history education

Musa Al-Reza Bakshi

Assistant Professor of History Education Department, Farhangian University of Tehran

Abstract

In recent years, critical thinking skills have become one of the essential components of education. Critical thinking is very important in the field of history education. One of the characteristics of a person educated in the field of history is having critical thinking skills. Now the question is how to apply critical thinking in history education. This research aims to provide solutions to strengthen students' critical thinking skills with the library method and with the help of the lived experience of a teacher in Farhangian University. The findings of this article show that the use of debate and discussion methods in class and collaborative learning along with challenging students' perceptions by the professor has a remarkable effect on strengthening students' critical thinking skills. In addition to the mentioned cases, paying attention to the direct teaching of critical thinking in the university and placing an independent course with this title in the university curriculum can have a significant effect on the growth of this thinking.

* Corresponding Author, Email: rezabakhshi1385@gmail.com

دانشگاه فرهنگیان

فصلنامه علمی-تخصصی پژوهشی در آموزش تاریخ

دوره چهارم، شماره سه، پاییز ۱۴۰۲

<https://historyedu.cfu.ac.ir>

شاپای الکترونیکی: ۲۷۸۳-۲۱۵۵

شاپای چاپی: ۱۰۱۴-۲۸۲۱

تاریخ ارسال ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

صفحه ۲۲-۱۴

DOI: [10.48310/RHE.2023.3369](https://doi.org/10.48310/RHE.2023.3369)

راه‌کارهای تقویت تفکر انتقادی در آموزش تاریخ

موسی الرضا بخشی

استادیار گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه فرهنگیان تهران

چکیده

در سال‌های اخیر مهارت تفکر انتقادی یکی از اجزای ضروری آموزش شده است. تفکر انتقادی در رشته آموزش تاریخ بسیار دارای اهمیت است. یکی از ویژگی‌های فرد آموزش دیده در حوزه تاریخ برخورداری از مهارت تفکر انتقادی است. حال پرسش این است که چگونه می‌توان، تفکر انتقادی را در آموزش تاریخ به کار بست. این پژوهش در صدد است با روش کتابخانه‌ای و با استعانت از تجربه زیسته معلمی در دانشگاه فرهنگیان، راه‌کارهایی برای تقویت مهارت تفکر انتقادی دانشجویان ارائه دهد. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد، استفاده از روش‌های مناظره و مباحثه در کلاس و یادگیری مشارکتی همراه به چالش کشیدن برداشت‌های دانشجویان به وسیله استاد تأثیر شایان توجهی در تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی در دانشجویان دارد. علاوه بر موارد مذکور، توجه به آموزش مستقیم تفکر انتقادی در دانشگاه و قرار دادن درسی مستقل با این عنوان در برنامه درسی دانشگاه می‌تواند، تأثیر شایان توجهی در بالندگی این تفکر داشته باشد.

واژگان کلیدی: آموزش تاریخ، تاریخ، تفکر انتقادی، مناظره، یادگیری مشارکتی

رایانامه نویسنده مسئول: rezabakhshi1385@gmail.com

راه‌کارهای تقویت تفکر انتقادی در آموزش تاریخ

مقدمه

واژه انتقادی (critical) از کلمه یونانی (Kirtikos) به معنای نقاد (critic) گرفته شده است. انتقادی به معنای پرسش و تحلیل است. منتقد بودن به این معناست که فرد تفکرات خود یا دیگران را مورد بررسی قرار می‌دهد. یکی از اهداف آموزش تاریخ، ترویج روحیه انتقادی و تحلیلی است، یعنی به دنبال روحیه ای هستیم که به کاوش، پرسش و جستجوی چیزی می‌پردازد که منطقی و دارای استحکام است. از نظر بعضی از پژوهشگران نخستین هدف و محصول تعلیم و تربیت، باید تربیت انسان صاحب اندیشه و ذهن کاوشگر باشد (پاول، ۱۹۹۲: ۲۷). دست یافتن به چنین مهارتی ممارست و تمرین در تجزیه و تحلیل مطالب را می‌طلبد و دانشگاه باید زمینه چنین ممارستی را برای دانشجویان فراهم سازد. این امر در بعضی از رشته‌های آموزشی همچون آموزش تاریخ با توجه به موضوع درسی آن بسیار دارای اهمیت است. به نظر می‌رسد، روش فعلی در آموزش تاریخ بیشتر مبتنی بر انتقال اطلاعاتی دانشجویان است که از سویی او را تبدیل به فردی منفعل می‌کند و از سویی قدرت تفکر، پرسشگری، پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها را از او می‌گیرد و دوری گزیدن از تفکر انتقادی یکی از نقیصه‌های آن به شمار می‌رود. در کلاس درس باید فرصت‌هایی در فرایند آموزش به وجود آید تا دانشجویان بتوانند دیدگاه‌های مختلف موجود در موقعیت را به صورت دقیق مورد مطالعه قرار دهند، موشکافی کنند و در زمینه‌های مختلف آن دیدگاه به تفکر بپردازند. چنین فرصت‌هایی زمینه استقلال در تصمیم‌گیری، استدلال و قضاوت را در آنان پرورش خواهد داد و نحوه دفاع از قضاوت را به آنان خواهد آموخت (شعبانی؛ مهرمحمدی، ۱۳۷۹: ۱۱۷). امروزه بسیاری از پژوهشگران تربیتی پرورش تفکر انتقادی برای موفقیت در جهان معاصر که دانش با سرعت زیاد در حال افزایش است، نیازی بنیادین تلقی می‌کنند (مارینا و هالپرن، ۲۰۱۱: ۷۸).

تعاریف مختلفی از تفکر انتقادی شده است. پاول تفکر انتقادی را در دو معنای محدود و وسیع مطرح کرد. در معنای محدود تفکر انتقادی یک مجموعه مهارت‌های فنی است که فقط برای انتقاد از دیدگاه‌های مخالف واقع می‌شود، اما در معنای وسیع، بررسی گرایش‌ها و تمایلات خود محورانه و جامعه‌گرایانه است که در قلب عقاید و به صورت پنهان قرار دارند و شامل گرایش‌ها و ویژگی‌های منشی و شخصیتی است (پاول، ۱۹۹۲: ۱۳۱). در تعریفی دیگر تفکر انتقادی قضاوت هدفمند خود تنظیمی است که منجر به تفسیر، تحلیل، ارزیابی و استنتاج و همچنین توضیح مدارک مفهومی، روش‌شناسی یا بررسی‌های زمینه‌ای که در آن قضاوت نقش پایه دارد، می‌شود. تفکر انتقادی یک ابزار اکتشافی ضروری و یک پدیده انسانی فراگیر و خود اصلاح شونده است (سیمپسون، ۲۰۰۲: ۹۵). به عبارتی دیگر تفکر انتقادی یک فرایند پیچیده است که هدفمند بوده و اطلاعات به دست آمده از آن معقول و منطقی است. تفکر انتقادی به فرد کمک می‌کند تا افکار خود را واضح، دقیق، صحیح، مرتبط، مستحکم و بی‌طرفانه بیان کند (ویلکینسون، ۲۰۰۲: ۲۳). با وجود تفاوت‌هایی که در تعریف تفکر انتقادی وجود دارد، شباهت‌هایی در این تعاریف وجود دارد که شامل تأمل، شناسایی و ارزیابی فرضیات، اکتشاف، تفسیر و تحلیل، استدلال و قضاوت و بررسی زمینه از آن جمله می‌باشد.

پژوهش‌هایی که با رویکرد انتقادی انجام شده‌اند، به موضوع تفکر انتقادی و تقویت آن در حوزه آموزش تاریخ که این نوشتار متکفل پاسخ به آن است، به صورت خاص نپرداخته‌اند. آلن بوث (۱۳۹۴) در کتاب *آموزش تاریخ در دانشگاه* که در انتشارات دانشگاه فرهنگیان به چاپ رسیده است، تلاش کرده است، به ارتقای سطح یادگیری و فهم در تاریخ بپردازد و در این راستا راهبردهایی پیرامون تدریس و یادگیری فعال ارائه داده است و در ضمن آن اشاراتی به آموزش تفکر انتقادی دارد که در این مقاله مورد استناد قرار گرفته است.

رامبد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله « تفکر انتقادی در آموزش و یادگیری دانشجویان»، با تمرکز بر دانشجویان پزشکی و با توجه به آزمون های مهارتی تفکر انتقادی کالیفرنیا و آزمون کرنل تلاش کرده اند، راهبردهایی برای تقویت تفکر انتقادی ارائه دهند. یافته های آنان نشان می دهد، بعضی از راهبردها از جمله تکالیف نوشتاری و شفاهی، کارنامه بالینی و ایفای نقش توسط اعضای هیئت علمی می تواند، به توسعه مهارت های تفکر انتقادی منجر گردد.

شعبانی و مهرمحمدی (۱۳۷۹) در مقاله « پرورش تفکر انتقادی با استفاده از شیوه آموزش مسأله محور»، به ضرورت و جایگاه تفکر انتقادی و جایگزینی روش ها و نگرش های علمی به جای انتقال و ذخیره سازی حقایق علمی پرداخته اند. نویسندگان مقاله پس از تحلیل تئورهای همسو و حامی رویکرد تفکر انتقادی به تجزیه و تحلیل مفاهیم تفکر انتقادی پرداخته اند و روش حل مسأله را با استناد به دیدگاه های مختلف صاحب نظران تربیتی، روشی مؤثر برای پرورش تفکر انتقادی معرفی کرده اند. یافته های آنان تأثیر روش حل مسأله را در پرورش مهارت های تفکر انتقادی تأیید می کند. در پایان پژوهش، مواردی برای بهبود و اصلاح روش های آموزش پیشنهاد شده است.

تفاوت این مقاله با نوشته های پیشین در این است که این نوشتار تلاش می کند، متناسب با ویژگی های رشته تاریخ راه کارهایی در راستای توسعه مهارت تفکر انتقادی دانشجویان این رشته ارائه دهد.

آموزش تفکر انتقادی، تنها آموزشی است که گذر از ساده نگری و پذیرش بی چون و چرای مسائل را به ژرف نگری تسهیل می کند و توانایی فراگیران را برای درک مسائل افزایش می دهد (معروفی، شبیری، یعقوبی، ۱۳۹۰: ۲۵۳). یکی از مشخصه های فرد آموزش دیده در حوزه تاریخ برخورداری از تفکر انتقادی است. امروزه تفکر انتقادی یکی از اجزای ضروری آموزش شده است؛ با وجود این، همچنان در نظام دانشگاهی به ویژه در آموزش تاریخ آن چنان که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. دانشگاه فرهنگیان به عنوان تنها مسیر تربیت معلم در ایران در حال حاضر می تواند، نقش مهمی در ایجاد تفکر انتقادی در دانشجو معلم داشته باشد. با توجه به این که تفکر انتقادی و مهارت های استدلال به صورت خودانگیزه یا خود پرورش نمی یابد و نیاز به فراهم آوردن زمینه های لازم است، در این نوشتار تلاش می شود، راه هایی تقویت تفکر انتقادی در آموزش تاریخ که بدون تردید از ارکان آموزش این رشته به شمار می رود، مورد واکاوی قرار گیرد.

راه کارهای ایجاد تفکر انتقادی در دانشجویان آموزش تاریخ

۱. **رویکرد نقادانه استاد در تدریس:** باورها و مفروضات استاد در تدریس تاریخ امر مهمی به شمار می رود. یعنی استاد باید در تدریس روشی منطقی و نقادانه در پیش گیرد تا دانشجویان تاریخ را هر چه بیشتر به تفکر انتقادی در تاریخ سوق دهد. تشویق دانشجویان به مواجهه انتقادی، تأملی و خلاقانه با مباحث مربوط به گذشته، اتخاذ رویکرد کنجکاوانه و مشتاقانه در قبال درس ها و مشارکت فعالانه در یادگیری مسئولیت بسیار پیچیده و چالش برانگیزی است. این کار مستلزم سخت کوشی، انعطاف و آزمایش هایی است که همزمان در درک نیازهای دانشجویان و باورها، ارزش ها و تجربه های خود استاد ریشه دارد.

مدرّسان می توانند، اختلال و اشکالات موجود در فرایند تفکر دانشجویان را شناسایی و بازخوردهای مناسب را ارائه دهند. اصولی که در تسهیل تفکر انتقادی مؤثر است، شامل تأیید فرد دارای تفکر انتقادی، نشان دادن حمایت خود به افراد دارای تفکر انتقادی، منعکس کردن و بازتاب ایده های افراد دارای تفکر انتقادی، ایجاد انگیزه برای تفکر انتقادی در افراد، ارزیابی پیشرفت و کمک به افراد دارای تفکر انتقادی می شود (رامبد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۲).

راه‌کارهای تقویت تفکر انتقادی در آموزش تاریخ

تدریس نباید فقط بر مبنای ارائه و انتقال اطلاعات از استاد به دانشجو محدود باشد، بلکه تدریس باید به مثابه گسترش ظرفیت های کاوش گری دانشجو و تبدیل شدن او به فردی آگاه و نقّاد باشد. گسترش ظرفیت های عقلانی دانشجویان یکی از مهم ترین و محوری ترین مزایای مطالعه تاریخ است، به بیان دیگر تربیت اذهان دانشجویان با روش های کاوش انتقادی است (بوث، ۱۳۹۴: ۸۱). از این رو، استاد باید دانشجویان را به تفکر تشویق کند، او باید به فراگیران بیاموزد که نباید صرفاً استاد را کوه خرد و دانش تصور کنند، بلکه آنان باید با رعایت حرمت به مطالب مطرح شده در کلاس و گفته های استاد رویکرد انتقادانه داشته باشند و استاد باید این شرایط را در کلاس درس برای دانشجویان فراهم کند. تلاش استاد برای برانگیختن تفکر انتقادی و مستقل در دانشجویان بسیار مهم است، به گونه‌ای که یک استاد در طول یک نیم سال تحصیلی تدریس، شایسته است، بر اساس تأثیری که بر رشد تفکر مستقل و نقادانه دانشجویان داشته است، درباره کار خود قضاوت کند.

استاد باید به دانشجویان بیاموزد که فرد دارای تفکر انتقادی، اطلاعات را از منابع معتبر و موثق دریافت می‌کند و چنین فردی باید دامنه آگاهی هایش را برای بررسی های استدلالی افزایش دهد؛ زیرا برخورداری از دانش به استدلال بهتر منجر می‌شود. همچنین لازم است نتیجه‌گیری هایش بر اساس شواهد صورت گیرد. همچنین شایسته است، اطلاعات دریافتی از نظر اهمیت مورد بررسی قرار گیرند و البته اصل بی‌طرفی نسبت به اطلاعات و عقاید نیز باید وجود داشته باشد (رامبد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

خلق فضایی که در آن دانشجویان در کاوش های انتقادی و ذهنی احساس امنیت کنند و اندیشه های خود را بدون اضطراب بیان کنند، می‌تواند زمینه مناسبی را برای رشد تفکر انتقادی ایجاد کند. در حقیقت استاد باید به دانشجو بیاموزد که فهم فرایندهای تاریخی و تکوین مهارت های انتقادی مربوط، یکی از مهم ترین اهداف آموزش تاریخ است و پژوهش های تاریخی را در اصل نوعی تعلیم عقلانی تحلیل و تفسیر انتقادی از طریق کاربرد نظام مند و بی طرف شواهد است. یعنی مقایسه و کلنجار رفتن با اندیشه ها و بر ساختن فرضیه هایی که از نظر عقلانی توجیه پذیرند.

۲. استفاده از روش مناظره بین دانشجویان: روش تدریس مناظره یکی از قدیمی ترین روش های آموزشی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی بوده است. مناظره در لغت به معنای گفت و گو و نظر کردن دو نفر با یکدیگر در چیزی است و در اصطلاح، سخن گفتن و استدلال دو نفر یا دو گروه درباره موضوعی به منظور کشف حقیقت است (داودی و حسینی زاده، ۱۳۹۶: ۳۲۲). در مناظره تنها دو رأی و نظر در مقابل یکدیگر است و هدف مناظره کنندگان، بیان حق است و هیچ‌گونه دشمنی و یا برتری جویی بر یکدیگر وجود ندارد و در صورت روشن شدن حق به آن گردن می‌نهند. از این رو، در مناظره تنها کشف حقیقت هدف است نه اثبات و قبولاندن نظر خویش و پیروزی بر دیگران. از این رو می‌توان مناظره را یک روش علمی دانست؛ زیرا هدف آن کشف حقیقت است که خود عین آموزش است.

در مناظره درگیری دانشجو با مطالب آموزشی، در میان هم‌کلاسی‌ها، سبب تقویت حس کنجکاوی و رغبت بیشتر او به ادامه بحث و بررسی دقیق تر موضوع درسی می‌شود. مناظره به دانشجویان انرژی می‌بخشد و آنها را قادر خواهد ساخت، پیرامون شواهد و مستندات تفکر انتقادی داشته باشند (بوث، ۱۳۹۴: ۱۳۹). مناظره ابزار قدرتمندی برای ارتقای سطح تفکر و اعتماد به نفس فراگیران است. دانشجویان باید تلاش کنند در مناظره فرد یا گروه مقابل خود را با پرسش هایی که مطرح می‌کنند، به چالش بکشند. برای این کار بهتر است، استاد دانشجویان را در گروه های مختلف دسته بندی کند و موضوعاتی را برای مناظره تعیین کرد که برای مناظره مناسب است، برای مثال آیا زرین کوب در تحلیل تاریخ ایران در کتاب دو قرن سکوت بر حق بوده است؟

در مناظره شرط است که دو طرف، نسبت به مسأله مورد بحث با یکدیگر هم نظر نباشند. همچنین لازم است، مناظره کنندگان آگاهی های حداقلی درباره موضوع مورد مناظره داشته باشد تا امکان گفتگو وجود داشته باشد. همچنین استاد باید تاکید کند که لازم است، سخن طرف مقابل به دقت شنیده شود و تا سخن او تمام نشده، از پاسخ دادن اجتناب شود. شایسته است که پس از روشن شدن مطلب، دو طرف مناظره به آن گردن نهاده و از ادامه بحث بپرهیزند و بدیهی است که باید استاد یا افراد ناظر این مهم را کنترل کنند(داودی؛ حسینی زاده، ۱۳۹۶: ۳۲۵-۳۳۴). از آن جا که ماهیت مناظره، رقابت است، استاد باید مراقب باشد که حقوق دانشجویان ضایع نشود و احياناً فضای خشم و کینه در کلاس به وجود نیاید.

در مناظره می توان از دانشجویانی که در مناظره مشارکت مستقیم ندارند، به عنوان داور یا به اصطلاح هیئت منصفه استفاده کرد و در پایان با در نظر گرفتن آراء به نحوی آنان را در مناظره شرکت داد. در این روش بهتر است استاد ابزار و شاخص هایی نیز برای پایان دادن به بحث در مناظره در نظر بگیرد. در پایان مناظره شایسته است، استاد نقاط ضعف و قوت استدلال دانشجویان را به آنان منتقل کند. در این روش استاد باید دانشجویان را تشویق کند تا به شکل انتقادی با منابع تاریخی روبرو شود.

۳. به چالش کشیدن برداشت ها و ادراکات دانشجویان: آموزش تاریخ باید به تعمیق تفکر انتقادی و مستقل دانشجویان

یاری رساند. برای این امر، به چالش کشیدن برداشت ها و ادراکات فراگیران ضروری به نظر می رسد(بوث، ۱۳۹۴: ۳۵). در سال هایی که به عنوان مدرس تاریخ در دانشگاه فرهنگیان تدریس کرده ام، بارها مشاهده کرده ام که دانشجویان بسیار تحت تأثیر اندیشه ها و باورهای پیشین خود هستند که گاه هیچ منشأ علمی ندارد، این امر در دروسی مانند تاریخ اسلام که با توجه به زمینه های دینی که در این دوره نهفته است، بسیار نمایان تر است و گاهی فراگیران تحت تأثیر احساسات دینی و مذهبی کمتر شیوه تحلیل و تفکر انتقادی را به کار می گیرند و تلاش می کنند، مفروضات خود را که باورها و رویکردهای تثبیت شده ای است، با چالش روبرو نکنند. از این رو، تلاش استاد برای واداشتن دانشجو معلم به بازبینی مفروضات خویش و به کاربردن تفکر انتقادی و بنا کردن استدلال خود بر پایه های منطقی و علمی بسیار مهم می نماید. تشویق دانشجویان به این که اذغان کنند، ارزش ها و تجربه های پیشینی را با خود به کلاس درس می آورند، می تواند، نقش مهمی در ایجاد نگرش علمی و انتقادی در دانشجویان باشد.

تعیین یک تکلیف کلاسی به صورت نوشتاری یا شفاهی با محتوای نقادانه برای دانشجو یا به اصطلاح مطالعه موردی^۱ قبل از ورود وی به کلاس در تحریک تفکر دانشجو و درگیر شدن او در فعالیت تدریس و تعامل با مدرس موثر است و این فرصت را در اختیار دانشجویان قرار می دهد که مهارت های تفکر انتقادی خود را به طور مستقل توسعه بخشند. این تکالیف همچنین برای استاد فرصتی را فراهم می کند که توانایی تفکر انتقادی را در دانشجو مورد بررسی قرار دهد. هنگامی که فرد با آمادگی در کلاس درس حاضر می شود، تفکر انتقادی او افزایش می یابد. وقتی که مریدان از دانشجویان نوشته های کتبی، مقاله، ارائه شفاهی می خواهند، در این صورت از طریق بازاندیشی، حساسیت و بینش در فرد، مهارت انتقادی دانشجو ارتقا می یابد. دانشجو لازم است بداند که تجربیات یادگیری برای آنها طوری طراحی شده است که به طور فعال در دریافت اطلاعات نقش داشته باشند و اعضای هیئت علمی فقط فعالیت ها و فرایند یادگیری را تسهیل می کنند(رامبد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

۴. یادگیری های مشارکتی و همکارانه: پژوهش های آموزشی اهمیت یادگیری مشارکتی را در تعمیق تفکر انتقادی و

خودآگاهی نشان می دهد(بوث، ۱۳۹۴: ۱۰۵). یادگیری بیشتر هنگامی رخ می دهد که نتیجه یک تلاش تیمی باشد، تا یک تلاش فردی. یادگیری خوب همانند کار خوب، کنشی همکارانه و اجتماعی است. به اشتراک گذاشتن ایده ها و پاسخ گویی به واکنش های دیگران به بهبود تفکر انتقادی رهنمون می شود. هدف از انجام کار گروهی تغییر شیوه یادگیری از معلم محور، به دانشجو محور

1. Case study.

راه کارهای تقویت تفکر انتقادی در آموزش تاریخ

است. تشکیل گروه های یادگیری مشارکتی، یک روش آموزش غیرمستقیم تفکر انتقادی است که در آن فراگیران در گروه های کوچک برای رسیدن به یک هدف مشترک با یکدیگر همکاری کرده و پیرامون مسائل درسی تفکر می کنند؛ در نتیجه این تبادل نظرها، تفکر انتقادی آنان نیز فعال می شود (رنجبر؛ اسماعیلی، ۱۳۸۵). بر طبق نظر پژوهشگران شواهد قانع کننده ای وجود دارد که گروه های یادگیری مشارکتی به سطوح بالاتری از تفکر دست یافته و اطلاعات و یافته ها را طولانی تر از فراگیرانی که کاملاً به شکل انفرادی عمل می نمایند، به خاطر می سپارند (بدری، قناعت پیشه، ۱۳۹۴: ۹).

تدریس مؤثر مستلزم ایجاد چارچوبی است که دانشجویان احساس کنند، ضمن برخورداری از مشارکت حداکثری، به طور جدی و با بهره گیری از ذهنیت خود در آن دخیل باشند (بوث، ۱۳۹۴: ۱۰۵) در این راستا ایجاد فضایی که در آن امکان مباحثه بین دانشجویان وجود داشته باشد، عنصر بنیادین در یادگیری مطالب با کیفیت بالاست. تعامل دانشجویان با یکدیگر یک ابزار حیاتی در کمک به آنان برای پیوند میان اندیشه ها، پالایش تفسیرها و پیشبرد تفکر انتقادی است.

مباحثه چهره به چهره دانشجویان البته در فضایی دوستانه و با بیان واضح اهداف می تواند، فرصت مناسبی را برای تأمل بیشتر دانشجویان فراهم سازد و بهتر است، استاد زمینه مشارکت همگان را در مباحثه کلاس درس فراهم سازد. در مباحثه پیشنهاد می شود، دانشجویان در زمانی مشخص بر وجوه مختلف درسی که مورد نظر است، کار کنند و سپس به گروه های کوچک تری تقسیم شوند که هر گروه فهرستی از مطالب درس را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند، مثل نقاط قوت و ضعف یک حکومت. در ادامه گروه ها می توانند نظرات یکدیگر را مورد سوال قرار دهند تا در نهایت با راهنمایی استاد به یک جمع بندی دست یابند. بعضی از مطالعات صورت گرفته پیرامون اثر بخشی مباحثه گروهی فراگیران در رشد تفکر انتقادی، این روش را مؤثر دانسته و اثبات شده است که فراگیران به طور معناداری کاستی ها و ایرادات موجود در مجموعه فعالیت علمی را به صورت صحیح تشخیص داده اند.

پژوهشگران معتقدند که دانشجویان می توانند، تفکر انتقادی را یاد بگیرند، منوط به این که آمادگی و شرکت کافی در بحث های گروهی را داشته باشند (بدری؛ قناعت پیشه، ۱۳۹۴: ۱۰). برای نمونه حاج حسینی در پژوهشی که با موضوع تأثیر روش های گفت و گو محور بر تفکر انتقادی داشته است، اثربخشی روش های آموزش گفت و گو در بهبود تفکر انتقادی را مورد تأکید قرار داده است (حاج حسینی، ۱۳۹۱). گرچه ممکن است، مباحثه زمان زیادی از کلاس را به خود صرف کند اما به سبب درگیر کردن قوه تعقل دانشجویان و نیز به سبب مشارکت دانشجویان در امر یادگیری می تواند، تاثیر مهمی در رشد تفکر انتقادی دانشجویان داشته باشد.

در پایان ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می رسد که گروهی معتقدند، باید مهارت های تفکر انتقادی به صورت مستقیم و روشن آموزش داده شود. در آموزش به شیوه مستقیم فرض می شود که تدریس مهارت های تفکر به صورت غیر مستقیم همانند روش هایی که در این نوشتار ذکر شد کافی نیست؛ در نتیجه شایسته است که درسی با همین عنوان در برنامه درسی دانشگاه گنجانده شود و جایگاه ویژه ای برای آن در نظر گرفته شود، به گونه ای که به عنوان یک موضوع مستقل جایگاه واقعی خود را باز یابد تا از این رهگذر افزایش مهارت های تفکر انتقادی به صورت مستقیم عملی شود. از این رو به مسئولان و دست اندرکاران امر آموزش و برنامه ریزی دانشگاه فرهنگیان پیشنهاد می شود، توجه ویژه ای را پیرامون این موضوع مبذول دارند و کارگروه تخصصی را در زمینه قرار دادن درسی تحت همین عنوان در برنامه آموزشی دانشگاه فرهنگیان یا دست کم در برنامه درسی بعضی از رشته ها از جمله آموزش تاریخ قرار دهند.

نتیجه

تفکر انتقادی یک فرایند شناختی تحلیل دانش بر اساس شواهد است. یک جامعه پویا و زنده بدون تربیت انسان آگاه، تعامل گرا و مشارکت جو ممکن نخواهد بود. از این رو، یکی از مهارت هایی که باید در نظام دانشگاهی به ویژه در رشته آموزش تاریخ آموخته شود، افزایش مهارت های تفکر و استدلال دانشجویان است. از طریق تفکر انتقادی است که فهم و تحلیل صحیح تر از رویدادهای تاریخ امکان پذیر است. راهبردهایی برای تقویت مهارت انتقادی در آموزش تاریخ وجود دارد که مناظره، بحث های گروهی و یادگیری مشارکتی و به چالش کشیدن ادراکات دانشجویان از مهم ترین آنها است اما آن چه که از این روش ها مهم تر می نماید، روش نقادانه استاد در تدریس است که با ایجاد انگیزه در دانشجویان و تشویق و حمایت از دانشجویانی که دارای اندیشه انتقادی است، امکان تقویت مهارت تفکر انتقادی را فراهم می آورد، به ویژه آن که دانشجومعلم می تواند با الگو گرفتن از شیوه تدریس استاد، مهارت تفکر و اندیشیدن را در دوره معلمی خود نیز به دانش آموزان انتقال دهند که بی گمان امر بسیار مهمی است. موفقیت بیشتر در زمینه آموزش تفکر انتقادی بستگی به جوی دارد که استاد در کلاس درس ایجاد می کند. دانشجویان باید به آرامی به نقش های فعال بحث و گفت و گو و حل مسئله هدایت شوند. به زبانی ساده می توان گفت، بهترین محیط کلاس درس برای تفکر انتقادی محیطی است که در آن فراگیران به مهمانانی شبیه هستند که از آنان به خوبی استقبال می شود. در همه راهبردهایی که برای تقویت تفکر انتقادی در دانشجویان ذکر شد، فعال نگه داشتن دانشجویان در کلاس درس یک اصل است و نقش مهمی افزایش مهارت انتقادی دانشجویان دارد.

راه‌کارهای تقویت تفکر انتقادی در آموزش تاریخ

فهرست منابع

۱. بدری، رحیم؛ عترت الزهراء قناعت پیشه (۱۳۹۴). «تأثیر روش آموزشی علمی بر تفکر انتقادی دانش آموزان»، *فصلنامه نوآوری های آموزشی*، س. ۱۴، ش. ۵۵.
۲. بوث، آلن (۱۳۹۴)، *آموزش تاریخ در دانشگاه*، ترجمه سید محسن علوی پور، تهران، انتشارات سمت؛ دانشگاه فرهنگیان.
۳. حاج حسینی، منصوره (۱۳۹۱). تأثیر روش‌های گفت و گو محور بر تفکر انتقادی (رساله دکتری)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س)، تهران.
۴. شعبانی، حسن. مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۹)، «پرورش تفکر انتقادی با استفاده از شیوه آموزش مسئله محور»، *مدرس علوم انسانی*، ۱۴، ۱۲۶-۱۱۵.
۵. داودی، محمد؛ سید علی حسین زاده (۱۳۹۶). *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. رامبد، معصومه؛ فرحناز رئیسی کریمیان؛ مرضیه معطری (۱۳۹۲). «تفکر انتقادی در آموزش و یادگیری دانشجویان»، *مجله علوم پزشکی صدر*، دوره ۱، شماره ۲، بهار، ص ۱۱۳-۱۲۸.
۷. معروفی، یحیی؛ شیبیری، سید محمد و یعقوبی، محمود. (۱۳۹۰)، «جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه»، *پژوهش علوم انسانی*، ۱۰ (۲۶)، ۲۵۴-۲۵۲.

۸. Paul. R.C(1992). *Critical thinking: what every person needs to survive in a rapidly changing word*. Santa Rosa, C.A: Foundation for critical Tinking.

۹. Simpson E, Courtney M. Critical thinking in nursing education: Literature review. *International Journal of Nursing Practice* 2002; 8: 89-98.

۱۰. Wilkinson JM. *Nursing process and critical thinking*. 4th edition. Julie Levin Alexander Publisher: 2007